

آموزه های اعتقادی نماز در راستای رشد معنوی و تربیتی افراد از منظر امام حسن علیه السلام

علیرضا فتحی^۱

چکیده

جایگاه نماز به قدری مهم است که قرآن بعد از ایمان آن را متذکر شده است " یقیمون الصلوه ". اهمیت نماز در این است که یکی از پایه های دین شمرده شده است و در راس همه عبادتها قرار گرفته است، اسلام بدون نمازهرگز معنایی ندارد، نماز خود سازی است. اگر شما می خواهید در اجتماع یک مسلمان واقعی باشید و می خواهید یک مجاهد نیرومند باشید . باید نماز خوان خالص و مخلص باشید. اهمیت نماز در جریان اجتماعی شدن نیز بسیار مهم است عمده ترین فریضه مذهبی که در فرآیند اجتماعی شدن . یکی از مسائلی که افکار، نگرش و رفتارهای مذهبی کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می دهد، نماز است؛ اگر ما بتوانیم نماز را به عنوان یک هنجار مذهبی در رفتار و کردار فرزندان خود درونی سازیم، قدم اساسی برای تربیت دینی آنها برداشته ایم. نماز در ایجاد و حفظ شخصیت سالم مذهبی افراد جامعه نقش بسزایی دارد و دارای اثرات مثبت اجتماعی است. نکته مهم: توجه دادن جوان به نماز و ایجاد رابطه ی انس او با خدا، احساسات مذهبی او را اقناع می کند، تمایلات طبیعی و هواهای نفسانی او را مهار کرده و رفتار او را تحت کنترل در می آورد. در این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و با مراجعه به اسناد کتابخانه ای به تبیین آموزه های نماز از منظر امام حسن (ع) پرداخته شده است. یافته های تحقیق، حاکی از آن است که آموزه های نماز در راستای معادشناسی بوده است، چرا که معاد، غفلت را از انسان می زداید.

واژگان کلیدی: آموزه، اعتقاد، نماز، امام حسن (ع)، معنویت، افراد

^۱ فارغ التحصیل سطح سه حوزه علمیه قم ، دانشگاه مجازی جامعه المصطفی و دبیر آموزش و پرورش

مقدمه

قرآن در آغاز بزرگ‌ترین سوره خود بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳) و همچنین در کوچک‌ترین سوره خود کوثر از نماز سخن به میان می‌آورد: «فصلٌ لربك وانحر» (کوثر: ۲) با نظر در این آیات و آیات فراوان دیگر، اهمیت جایگاه «نماز» به خوبی روشن می‌گردد.

همچنین در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به جایگاه رفیع نماز اشاره شده است که به ذکر یکی از آن موارد بسنده می‌کنیم:

امام حسن (ع) فرمود: رحمت خداوند بر مردی که خود و برادران و خانواده‌اش را موعظه و سفارش کند و بگوید: ای دوستان و خانواده ام! نمازتان، نمازتان، زکاتتان، زکاتتان، نیازمندان، نیازمندان، همسایه‌های شما، همسایه‌های شما که باید حقوقشان را مراعات کنید» که در روز قیامت لطف و عنایت خداوند شامل حال او شده و همراه خانواده‌اش قرار دهد همانا خداوند پیامبری از پیامبرانش را چنین ستایش کرده است: «او خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌کرد و مورد رضای خدا بود.

نماز، مسأله‌ای بسیار بااهمیت است که از جوانب مختلف می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد یکی از آن مسائل، جنبه اعتقادی نماز است که در طول تاریخ اسلام از ابتدا تا کنون به ویژه عصر معصومین علیهم السلام و سنت قولی و فعلی آن حضرات به آن پرداخته شده است از جمله روایاتی که می‌توان به آن اشاره کرد، حدیث ذیل می‌باشد: «قَالَ رَجُلٌ لِرَئِيسِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا سَبَبُ قَبُولِهَا؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلَايَتُنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا؛ مردی از امام زین العابدین علیه السلام سؤال کرد: ملاک پذیرش نماز چیست؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: ولایت و دوستی ما [اهل بیت] و براءت از دشمنان ما». (الريشهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶۷)

موضوعی که مورد پژوهش این تحقیق است، «آموزه‌های نماز از منظر امام حسن می‌باشد در خصوص آموزه‌های دیگر از جمله آموزه‌های اخلاقی نماز تحقیقات به نسبت مناسبی انجام شده است، ولی در خصوص معارف اعتقادی آن، تنها مطالبی پراکنده و ناقص به نگارش درآمده است از جمله اهمیت‌ها و ضرورت‌های انجام این تحقیق، آشناسدن با روح اعتقادی نماز در سیره امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام می‌باشد که با نظر به تاریخ زندگانی و روایات صادرشده از ایشان به دست می‌آید که در کنار آن رسیدن به هدف اصلی این پایان‌نامه که همانا معرفی مذهب تشیع است، مد نظر می‌باشد.

الف : مفهوم شناسی

در این بخش از تحقیق به مفهوم شناسی مفردات این بحث پرداخته خواهد شد.

۱: مفهوم شناسی «آموزه»

آموزه به معنی درس و نیز یک واحد آموزشی تعریف شده است همانطور که در فرهنگ فارسی معین به معنای درس یا آموزش آورده شده است (معین، ۱۳۴۲، سرواژه آموزه)

در این تحقیق مقصود از آموزه، همان درس ها و گزاره هایی است که دین آنها را بیان نموده است برخی میان آموزه دینی و گزاره دینی فرق گذاشته اند و گزاره را به حوزه هست ها و نیست ها و آموزه را به حوزه باید ها و نباید ها اختصاص داده اند. (سعیدی روشن، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴-۱۷۵)

ولی به طور کلی آموزه به معنای مطلق گزاره هایی است که دین آنها را بیان نموده است؛ چه مربوط به حوزه هست ها و نیست ها باشد و چه باید ها و نباید ها به عبارت دیگر، آموزه هم امور اخباری دینی را در بر می گیرد و هم امور انشائی آن را

مقصود از آموزه های اعتقادی، همان درس ها و گزاره هایی است که دین درباره اعتقادات بیان نموده است و از نظر نگارنده آموزه به لحاظ اصطلاحی به تعالیم یا آموخته هایی گفته می شود که با توجه به محتوا و کارکرد به دسته های متفاوتی مانند اعتقادی، اخلاقی، احکام و تقسیم می شود

به طور کلی می توان گفت که آموزه از لحاظ لغوی به معنای یک واحد آموزشی است (معین، ۱۳۴۲، ص ۱۰۵) که در اینجا به معنای درس های اعتقادی است که شامل گزاره هایی در باب اصول دین، اثبات باری تعالی، صفات خداوند، معاد، عدل و مسائلی از این قبیل می شود

۲: مفهوم شناسی «اعتقاد»

اعتقاد در لغت به معنای باور داشتن و عقیده داشتن است به معنای مصدری خودش (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۸۰)

که در این بحث به معنای درس های اعتقادی است که شامل گزاره هایی در باب اصول دین، اثبات باری تعالی، صفات خداوند، معاد، عدل و مسائلی از این قبیل می شود.

ابن فارس درباره ی معنای لغوی عقیده گفته است که «عقد» یک معنای اصلی بیشتر ندارد و سایر معانی به آن برمی گردد عقد به معنی محکم بستن است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۸۶)

پس می توان نتیجه گرفت که عقد و عقیده به معنی گره زدن و محکم بستن است.

جوهری در صحاح، مشابه همین معنا را برای عقد ذکر کرده است. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۱۰) زبیدی معتقد است عقد، ضد حل و باز کردن است؛ پس عقد به معنی گره زدن و محکم بستن است. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۰)

ج ۵، ص ۱۱۵) در مجموع می توان بدین نتیجه رسید که عقد و عقیده در لغت به معنی گره زدن و محکم بستن است

لذا به نظر می رسد کاربرد آن در این اصطلاح از باب جانشینی مصدر به جای اسم مفعول باشد مثل کتاب و مکتوب (سیدمحمد رضا طباطبایی، ۱۴۰۱، ص ۲۱۴) پس اعتقاد را باید به معنای معتقد و عقیده گرفت اما عقیده را در لغت هر چیزی که شخص به آن اعتقاد دارد و یقین بر آن دارد و آن چه به آن گرویده می شود و تصدیق می کنند گرفته اند. (دهخدا، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۱۵۱۸)

در اصطلاح گفته اند از آن جایی که ماده «عقد» در زبان عربی به معنای شدت اتصال است بنابراین عقیده عبارت خواهد بود از مطلبی که اتصال شدیدی با ذهن و روح و فکر انسان داشته باشد. (الری شهری، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۲۳)

فرق عقیده و باور با علم در همین جاست که الزاما ارتباط شدیدی با روح و فکر انسان ندارد، اما معتقد علاوه بر این که معلوم یقینی انسان است، تصدیق قلبی و باطنی انسان را نیز به همراه دارد

در مورد معنای اصطلاحی عقیده بسیاری از اندیشمندان علم کلام در کتب کلامی خود، اعتقاد را به دل سپردن به بودن یا نبودن چیزی معنا می کنند یا به عبارت دیگر اعتقاد را به معنای تصدیق به چیزی می دانند

بطور کلی شامل عقاید نظری درباره مبدا هستی خداشناسی و راهنمایان زندگی پیامبران و مقصد زندگی آخرت می باشد، که در ادیان در دانش کلام بررسی می شود

تصدیق نیز اقسامی دارد گاه یقینی است گاه ظنی؛ گاه غیر قابل زوال است و گاه نیز قابل زوال و از بین رفتن.

(علم الهدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۶۳)

۳: مفهوم شناسی «صلاة»

در ریشه ی این لغت اختلافی در بین اهل لغت دیده می شود بعضی آن را ناقص یایی میدانند یعنی از «صَلَّى» و بعضی آن را ناقص واوی تلقی کرده و آن را از «صَلَّوْ» می دانند و بعضی آن را از «صلاة» می دانند زبیدی در کتاب تاج العروس نگاشته است: «صلاة: مصدر است و بر وزن «فعلتُ می باشد» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۶۰۶) و ایشان در سه صفحه بعد گفته است که «از ماده صلو یا صلی گرفته شده است» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۶۰۹)

راغب از قول بعضی از علماء نقل می کند که گفته اند اصل صلاة از «صلاء» است که به معنای «آتش افروخته» است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۱۶).

این کلمه اگر از ناقص واوی باشد که قرائن بیشتر دلالت بر آن می کند، زیرا جمع آن را معمولا «صلوات» می آورند و در جمع، ریشه ی اصلی کلمه مشخص می شود، در این صورت معمولا اهل لغت معنای

آن را دعا و تعظیم و تکریم گرفته اند بر همین اساس زبیدی می نویسد: اگر از ماده «ص ل و» باشد، می تواند به معنای دعا باشد چنان چه در این آیه به این معنا به کاررفته است: (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۶۰۹) «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها وصل علیهم ان صلاتک سکن لهم و الله سمیع علیم» (توبه: ۱۰۳) راغب اصفهانی در کتاب مفردات می نویسد: صلاة مصدر فعل «صلی یصلی» و جمع آن «صلوات» است؛ و در لغت به معنای دعا و تبریک و تمجید است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۱۵) وی همچنین گفته جای عبادت هم «صلاة» نامیده شده است و لذا کنیسه ها یعنی عبادت گاه های یهود صلوات نامیده شده (همان، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۱۶) مثل آیه: «لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد» (سوره حج: آیه ۴۰)

۴: زندگی نامه امام حسن علیه السلام

مرحله اول زندگی امام حسن(ع) تا زمان امامت ایشان به طول کشید این دوران، حضرت در کنار جدشان رسول خداص پدرشان علی بن ابی طالب(ع) و مادرشان حضرت زهراص به سر بردند این دوره نزدیک به ۳۷ سال طول کشید و انتهای آن با شهادت پدرشان امیر المومنین علی(ع) در سال ۶۰ هجری، مصادف شد امام حسن مجتبی(ع) دومین امام از دوازده امام بعد از رسول خداست در خصوص زمان ولادت حضرت، اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را ۱۵ رمضان سال سوم هجرت ذکر کرده اند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش، ج ۴، ص ۲۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷ه. ق، ج ۲، ص ۴۰۲؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲ه. ق، ج ۲، ص ۶۸۷؛ شیروانی، ۱۴۱۴ه. ق، ص ۲۳۹)

ب: آموزه های اعتقادی نماز از منظر امام حسن علیه السلام

از منظر امام حسن، نماز دارای یک سری آموزه های اعتقادی می باشد که در این بخش از تحقیق به آن پرداخته خواهد شد.

۱: واجبات

۱-۱: نماز

بحث را با یک سوال اساسی و مهم آغاز می کنیم و آن اینکه نماز و به تعبیر شرع «صلاه» چه معنی و مفهومی دارد؟ این کلمه در لغت به معنی دعا و استغفار است و قول خداوند تبارک و تعالی: «إن الله وملائکته یصلون علی

النبي (خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می فرستند.» سوره احزاب، آیه ۵۶) که به این معنا اشاره دارد. (الأنصاری الرویفی الإفريقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۶۴)

و در عرف شرع به معنای نماز است که به افعال معین در اسلام آمده است و هر مسلمانی روزی پنج بار آنرا به جا می آورد. «صلی الله علیه» یعنی خدا مبارک کرد بر او و او را ستود و نیز این کلمه به معنی بالا بردن خود به سوی خدا با سجده به او و شکر گزاری او و یاری خواستن از اوست. اقامه صلاه به معنی به پاداشتن نماز است نه تنها با آن شکل و حرکات مخصوص بلکه با حضور قلب و توجه عمیق به پروردگار که موجب تصفیه قلب و روان آدمی باشد. چنانکه قرآن می فرماید: «تلاوت کن آنچه را از قرآن به تو وحی شده است و نماز را به جای آر زیرا نماز از فحشاء و کارهای نکوهیده جلوگیری می کند و به یقین یاد آوری خدا برای آدمی بزرگترین نیرو است و خدا می داند که شما چه می کنید.» (سوره عنکبوت، آیه ۴۵)

در این آیه سه نشانه از پنج نشانه پرهیزگاران آمده است. (رهنما، ۱۳۴۶ ه. ش، ج ۱، ص ۱۰۳)
خداوند در قرآن می فرماید «إن الصلوة کانت علی المؤمنین کتبا موقوتا» (سوره نساء، آیه ۱۴). و این معنا و مفهوم صلاه از لحاظ ظاهری است. سخن در خصوص این واجب الهی زیاد است و ما در اینجا به نقل چند روایت می- پردازیم و سپس سیره امام حسن (ع) را در مورد نماز ارائه می کنیم و بعد به تحلیل قرآنی سیره می پردازیم.
حضرت علی (ع) در سفارش به کامل فرمود: ای کامل! مهم این نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی؛ مهم این است که نماز با دل پاک و عمل خدایسندانه و خشوع راستین صورت گیرد» (طبری، ۱۳۸۳ ه. ش، ص ۲۸).

نماز بدون خشوع و خضوع و تفکر چندان فایده ای ندارد. امام صادق (ع) فرمودند: هر که دو رکعت نماز گزارد در حالی که به آنچه در این دو رکعت می گوید آگاهی دارد، نماز را در حالی که پایان برد که میان او خدا گناهی نباشد جز آنکه خدا آن را ببخشد.» (صدوق، ۱۳۸۲ ه. ش، ص ۱۱۴)
در ارتباط با نماز روایات فراوان است و البته نمی توان با نقل چند روایت حق مطلب را ادعا کرد. در ادامه به بیان سیره آن حضرت در انجام این فریضه الهی می پردازیم.

۱-۲: سیره عملی امام در نماز

امام حسن علیه السلام در اوج جوانی و بهاران زندگی و شادابی در عبادت و نیایش و راز و نیاز؛ توحید گرای و یکتا پرستی از چنان عمق و ژرفایی بهره ور بود، که طبق بیان برخی از بزرگان روزگارش، سیمای پیامبران داشت و عبادت و خداپرستی آنان از او جلوه گر بود. هنگامی که برای نماز وضو می ساخت رنگ چهره اش زرد

می شد و چون به نماز می ایستاد لرزه بر اندامش می افتاد و هنگامی که به در مسجد می رسید و آماده‌ی نماز می شد، رو به آسمان می نمود و با دنیایی معنویت و عرفان این طور با خدای یکتا به راز و نیاز می پرداخت. ای خدای من! این مهمان توست که به در خانه ات ایستاده است. ای نیکو کار! گناهکار به درگاهت آمده، پس ای بزرگوارا در مقابل زیباییهایی که نزد توست از کار ناپسند من در گذر! روی آنه کان علیه السلام إذا بلغ باب المسجد رفع رأسه و يقول: الهی ضیفک ببابک، یا محسن قد اتاک المسی، فتجاوز عن قبیح ما عندی بجمیل ما عندک یا کریم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ش، ج ۴، ص ۱۴؛ بیاتی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۳۱)

حدیث نگاران در مورد یاد خدا و نماز و نیایش در سیره و منش الهام بخش آن حضرت چنین فرموده اند: روایت شده که امام حسن فرزند ارجمند علی (ع) خداپرست‌ترین و پارساترین و برترین مردم روزگار خود بود. او چنان بود که وقتی به نماز می ایستاد بندهای وجودش در برابر شکوه پروردگارش می لرزید و هنگامی که بهشت و دوزخ را به یاد می آورد بسان مار گزیده‌ای، قرار از کف میداد و از بارگاه خدا بهشت زیبا و پر نعمت او را در خواست می کرد، و از دوزخ و کیفر آن به خدا پناه می برد.

«أن الحسن بن علی (ع) كان إذا توضأ ارتعدت مفاصله و اصفر لونه فقیل له فی ذلک فقال حق علی کل من وقف بین یدی رب العرش أن یصفر لونه و تر تعد مفاصله؛ امام حسن (ع) هر گاه وضو می ساخت، ارکان بدنش متزلزل می شد و می لرزید و رنگ رخسار مبارکش زرد می گشت؛ وقتی این حالت را از حضرتش پرسیدند فرمود: سزاوار است بر کسی که می خواهد نزد پروردگار عرش به بندگی بایستد اینکه رنگ زرد گشته و رعشه در مفاصلش بیفتد.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ش، ج ۴، ص ۱۴).

و در روایتی از آن حضرت آمده که فرمود: کسی که بعد از خواندن نماز صبح در همان محل بنشیند و مشغول ذکر خدا شود تا خورشید طلوع کند، برای او پرده و مانعی از آتش عذاب الهی خواهد بود.

قال حسن بن علی (ع): من صل فجلس فی صلاة إلى طلوع الشمس كان له ستره من النار» (ابن ابی الجهمور، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۳۲)

امام حسن (ع) در گفتار و عمل یک شکل و هماهنگ عمل می کرد و خود از پیشی گیرندگان در انجام دستورات الهی بود.

ایشان به هنگام فرا رسیدن وقت نماز و نیایش با خدا، افزون بر آمادگی دل و حضور قلب و آراستگی معنوی، و شکوه روحی هر چه بیشتر بهترین لباسش را می پوشید و با زیبایی ظاهری و باطنی و سیما و سیرت به محراب عبادت می رفت.

عده ای از یاران و دوستدارانش راز این عمل امام را از او پرسیدند: آن حضرت فرمود:

ان الله جميل و يحب الجمال فأتجمل لربي و تلا قوله تعالى: يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می پوشم و پس آیه قرآن را تلاوت کرد؛ زینت خود را به هنگام رفتن به مساجد برگیرد. (ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲۱)

بنابر این، نماز در سیره و رفتار امام حسن (ع) از جایگاه و منزلتی والا برخوردار بود و اهتمام حضرتش بر این است که نماز را با تمام شرایطش به جا آورد.

۳-۱: تحلیل قرآنی سیره

آیات نماز یا به عبارتی آیاتی که درباره نماز و اهمیت آن نازل شده اند بسیارند. و ما به مقتضای بحث به چند نمونه از این آیات اشاره می کنیم. نماز یکی از واجبات ثابت و لا یتغیری برای مؤمنان است؛ در آیه ای می خوانیم: «إِنَّ اللّٰهَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّقْشُورًا، نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است». (سوره نساء، آیه ۱۰۳)

در تفسیر این قسمت از آیه آمده است: کلمه «موقوت» از ماده «وقت» است بنابراین معنی آیه چنین است که اگر ملاحظه می کنید حتی در میدان جنگ مسلمانان باید این وظیفه اسلامی را انجام دهند به خاطر آن است که نماز اوقات معینی دارد که نمی توان از آنها تخلف کرد. ولی در روایات متعددی که در ذیل آیه وارد شده است موقوا» به معنی «ثابت» و «واجب» تفسیر شده است که البته آن هم با مفهوم آیه سازگار است. و نتیجه آن با معنی اول تقریباً یکی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۴، ص ۱۰۵)

نماز یاد و ذکر خداست. انسان خداجو و پرهیزگار با نماز به خدا می رسد، اوج ارتباط انسان با خدا در این عمل نهفته است. در آیه ای از قرآن خداوند متعال اهمیت آن را در نخستین مرحله وحی به حضرت موسی (ع) متذکر می شود و می فرماید: «وإني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني وأقم الصلوة لذكرى» (سوره طه، آیه ۱۴) که حاصل معنای این آیه این است که عبادت و یادآوری از من را با عمل به نماز تحقق بده؛ و تاکید دارد که نماز را به پا دار تا به یاد من باشی.

در آیه فوق به یکی از فلسفه های مهم نماز اشاره شده است. و آن اینکه انسان در زندگی این جهان با توجه به عوامل غافل کننده، نیاز به تذکر و یادآوری دارد، با وسیله ای که در فاصله - های مختلف زمانی، خدا و رستخیز و دعوت پیامبران و هدف آفرینش را به یاد او آورد و از غرق شدن در گرداب غفلت و بیخبری حفظ کند، نماز این وظیفه مهم را بر عهده دارد. انسان صبحگاهان از خواب برمی خیزد، خوابی که او را از همه چیز این جهان بیگانه کرده، می خواهد برنامه زندگی را شروع کند، قبل از هر چیز به سراغ نماز می رود، قلب و جان خود را با یاد خدا صفا می دهد، از او نیرو و مدد می گیرد، و آماده سعی و تلاش توأم با پاکی و صداقت می گردد. باز

هنگامی که غرق کارهای روزانه شد و چند ساعتی گذشت و چه بسا میان او و یاد خدا جدایی افتاد، ناگاه ظهر می شود و صدای مؤذن را می شنود الله اکبر!... حی علی الصلوه!... خدا از همه چیز برتر است، برتر از آن است که توصیف شود... بشتاب به سوی نماز. به سراغ نماز می رود در برابر معبود خود به راز و نیاز می ایستد، و اگر گرد و غبار غفلتی بر قلب او نشسته، آن را شستشو می دهد اینجا است که خدا در نخستین دستورات در آغاز وحی به موسی می گوید نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی.

جالب اینکه این آیه می گوید: نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی، اما در آیه دیگر می فرماید «ألا بذكر الله تطمن القلوب» (سوره رعد، آیه ۲۸)، و در آیه بعد می فرماید: «يتها النفس المطمئنه ارجعي إلى ربك راضية مرضية، فاذلی فی بیری، جنتی» (سوره فجر، آیات ۲۷-۳۰)؛ ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود، در زمره بندگانم در آی، و در بهشت گام بگذار.

از قرار دادن این سه آیه در کنار هم به خوبی می فهمیم که نماز، انسان را به یاد خدا و او می دارد، یاد خدا نفس مطمئنه به او می دهد، و نفس مطمئنه او را به مقام بندگان خاص و بهشت جاویدان می رساند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، صص ۱۷۴-۱۷۵).

گفتار و بیان قرآن درباره نماز بسیار است. قرآن کریم نماز را واجب می داند و بر اقامه آن شرایطی را یادآوری می کند. لذا در سوره مؤمنون نخستین ویژگی که برای مؤمنین حقیقی ذکر می کند این است که: «الذین هم فی صلاتهم خاشعون» در نمازشان خشوع دارند.

ویژگی دیگری که در سوره مؤمنون یادآوری می شود؛ محافظت بر نماز است. والذین هم علی صلواتهم حافظون. (سوره مؤمنون، آیه ۹)

آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: منظور از مداومت بر نماز این نیست که همیشه در نماز باشند، بلکه منظور این است در اوقات معین نماز را انجام می دهند، و اصولاً هر کاری آنگاه در انسان اثر مثبت می گذارد که تداوم داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۳۰)

و بر این اساس در آیه قبل که فرمود: علی صلواتهم تحافظون؛ تعبیر محافظت مناسب نمازهای واجب است که دقیقاً آنها را باید در وقفهای معین انجام داد، اما تعبیر به تداوم مناسبت نمازهای مستحب است، چرا که انسان می تواند آنها را انجام دهد و گاه ترک کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۳۰-۳۱)

۲: مستحبات

۲-۱: نماز شب

یکی از مستحبات و اعمالی که در دین اسلام از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، نماز شب است. و در واقع یکی از مراحل سیر سلوک عرفانی و از مقامات عارفان است، که نصیب دوستان و محبان درگاه الهی شده و نامحرمان این درگاه از فیض آن محرومند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خداوند ابراهیم (ع) را خلیل خود نکرد مگر از آن رو که مردم را اطعام می کرد و شب هنگام در حالی که مردمان خواب بودند به عبادت پروردگارش مشغول بود؛ ما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً إلا الإطعام و صلاته باللیل و الناس نيام». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۴)

و در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: دو رکعت نماز در دل شب نزد من دوست داشتنی تر از دنیا و آنچه در آن می باشد، الركعتان فی جوف الیل أحب إلی من الدنیا و ما فیها.. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۱۴۸)

نماز شب نتایج و فواید فراوانی برای نماز گزار دارد. خداوند به کسانی که در دل شب برای زنده کردن یاد او به پا می خیزند و به دنیا پشت می کنند و خالصانه او را می خوانند، بهره‌هایی عظیم نهاده است.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: ابر شما باد به نماز شب زیرا آن سنت پیامبر شما و عمل افراد صالح قبل از شما بوده، نماز شب مرض را از اجساد شما دور می کند؛ علیکم بصلاته الیل فإنها سנה نمیگم و دأب الصالحین فمکنکم و مطرد، الداء عن اجسادکم. (صدوق، ۱۳۸۲ش، ص ۴۱)

بنابراین نماز شب آثار و برکات فراوانی دارد که گاهی آن آثار در دنیا نیز خود را نشان می دهند. روایات رسیده از ائمه معصومین در بیان فضائل نماز شب فراوان است و ما به همین مقدار بسنده می کنیم و در ادامه به سیره ی حضرت در این عمل الهی می پردازیم.

۲-۲: انس با نماز شب

در نماز، او را حالی فوق العاده در مرز از خود بیگانگی بود. در شرح حال او در امر نماز نوشته اند: آنگاه که به نماز می ایستاد از خود بیگانه و در جمال و جبروت الهی محو و فانی بود. در نماز شب او می لرزید و تمام اندامش رعشه داشت. (عزیزی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۱)

امام حسن (ع) فرمود: پیامبر (ص) کلماتی را به من یاد داد که در نماز وتر می خوانم؛ علمنی رسول الله کلمات اقولهن فی الوتر: «اللهم اهدنی فیمن هدیت و عافنی فیمن عافیت و تونی فیمن تولیت و بارک لی فیما أعطیت، وقتی شر ما قضیت إنک تفضی و لا تفضی علیک إنه لا یذل من والیت تبارکت ربنا و تعالیت». (طبری، ۱۳۸۳ه.ش، ص

۲۵۷) خدایا مرا در زمره آنها که هدایت می کنی هدایت کن و در زمره آنها که عافیت می دهی عافیت ده و در زمره آنها که دوست میداری دوستم دار و در آنچه به من عطا می کنی برکت ده و از شر آنچه مقدر کرده مرا نگهدار که تو حکمرانی و کسی را بر تو حکومتی نیست به درستی تو هر که را سرپرستی کنی ذلیل نمی گردد.

نکاتی که از این دعای آموزنده برداشت می شود. عبارتند از:

اول اینکه امام حسن (ع) این دعا را در دوران کودکی و سن کم از پیامبر گرامی (ص) آموخت و این حکایت از ذوق و استعداد و هوش فوق العده آن بزرگوار دارد. چنانکه در کتب معتبره اسلامی آمده که قوه حافظه و ذکاوت و حفظ حدیث، در آن بزرگوار به حدی بود که روایات بسیاری از آن حضرت بدون واسطه از رسول خدا نقل شده است.

دوم اینکه: همه ما می دانیم که نماز وتر همان نماز یک رکعتی آخر نماز شب میباشد و این روشنگر اهمیت و تهجد و نماز شب است که اهل بیت رسول خدا(ص) در دوران کودکی هم آنرا بجای می آوردند همانگونه که امام حسن (ع) مقید به آن بودند.

۲-۳: تحلیل قرآنی سیره

اما آنچه از اهمیت فراوانی برخوردار است و ارزش این عمل را دو چندان می کند این است که قرآن کریم نیز بر اهمیت و ثمرات نماز شب تاکید دارد. و آن را ضمن آیاتی چند بیان می کند. که می توان این آیات را به دو گروه تقسیم کرد.

گروهی از این آیات در بیان تشریع حکم آن هستند و نماز را به پیامبر دستور می دهند، بعضی حالت دستوری دارند، مانند آیات زیر:

«ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى أن يبعثك ربك مقاما محمودا؛ پاره ای از شب را به نماز خواندن زنده بدار، این نافلة خاص تو است، باشد که پروردگارت، تو را به مقامی پسندیده برساند» (سوره اسراء، آیه ۷۹)، «ومن الليل فاسجد له. وسبحه ليلا طويلا؛ در پاره ای از شب سجده اش کن و در همه درازنای شب تسبیحش گوی» (سوره انسان، آیه ۲۶)

گروهی دیگر از آیات به نوعی از به پادارندگان عبادت شبانه تمجید و تحسین به عمل آورده است. و حالت انشایی دارد، مانند آیات:

«إن المتقين في جنات وعيون ... كانوا قليلا من الليل ما يهجعون؛ پرهیزگاران در باغها و کنار چشمه ساران باشند... اندکی از شب را می خوابیدند. » (سوره ذاریات، آیات ۱۵-۱۸). خداوند در سوره سجده در توصیف مؤمنین واقعی می فرماید: «وإنما يؤمن بآياتنا الذين إذا ذكروا بها خرّوا سُجْدًا و سبّحوا بحمد ربهم و هم لا يستكبرون. تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ينفقون؛ تنها کسانی به آیات ما ایمان می

آورند که هر وقت این آیات به آنها یادآوری شود به سجده می افتند، و تسبیح و حمد پروردگارشان را به جای می آورند و تکبر نمی کنند. پهلوی بشان از بسترها در دل شب دور می شود (بپا می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند». (سوره سجده، آیات ۱۶-۱۵)

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیات می فرماید: شب را بیدار بودند و کمی از شب را می خوابیدند، و به اصطلاح همواره شب زنده دار بودند. ولی از آنجا که این حکم به صورت یک دستور عمومی برای پرهیزکاران و محسنین بعید به نظر می رسد این تفسیر مناسب نیست، بلکه منظور این است که آنها کمتر اتفاق می افتاد تمام شب را بخوابند، و به تعبیر دیگر البل» (شب) به صورت جنس و عموم در نظر گرفته شده. بنا بر این همه شب بخشی را بیدار بودند و به عبادت و نماز شب می پرداختند و شب هایی را که تماما در خواب باشند و عبادت شبانه از آنها به کلی فوت شود کم بوده است.

دومین وصف آنها را چنین بیان می کند: «آنها پیوسته در سحرگاهان استغفار می گردند در آخر شب که چشم غافلان در خواب است، و محیط از هر نظر آرام، قال و غوغای زندگی مادی فرو نشسته، و عواملی که فکر انسان را به خود مشغول دارد خاموشی است بر می خیزند، و به گناهان خود استغفار می کنند. بسیاری معتقدند که منظور از استغفار در اینجا همان نماز شب است، از این جهت که «النوت نماز وتره مشتمل بر استغفار است.

اسحاره جمع سحره است (بر وزن بشر) در اصل به معنی پوشیده و پنهان بوده است، و چون در ساعات آخر شب پوشیدگی خاصی بر همه چیز حاکم است «سحر» نامیده شد؛ واژهی السحر «پوشیده است». (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۲، ص ۲۲۱-۲۲۲)

یکی دیگر از آیاتی که به مسأله ی نماز شب و یا به عبارتی به عبادت خداوند در شب اشاره دارد آیه ی شریفه: و من الليل فتهجد به نافلة لك عسى أن يبعثك ربك مقاما محمودا ، پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن و نماز بخوان، این یک وظیفه اضافی برای تو است، تا پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!» (سوره اسراء، آیه ۷۹) در تفسیر این آیه نکات قابل توجهی ذکر شده که بیان می شوند:

مفسران معروف اسلامی این تعبیر را اشاره به نافلة شب که در فضیلت آن روایات بی شماری وارد شده است دانسته اند، هر چند آیه صراحت در این مسأله ندارد. ولی با قرائن مختلفی که در دست است این تفسیر روشن به نظر می رسد.

می گوید: این یک برنامه اضافی است، علاوه بر نمازهای فریضه برای تو (نافله لك) بسیاری این جمله را دلیل بر آن دانسته اند که نماز شب بر پیامبر (ص) واجب بوده است، زیرا «نافله» به معنی زیاده است، اشاره به اینکه این فریضه اضافی مربوط به تو است. بعضی دیگر معتقدند که نماز شب بر پیامبر (ص) قبلا واجب بوده است بقرینه آیات سوره مزمل، سپس آیه فوق، آن را نسخ کرده و مستحب بودن آن را اعلام کرده است. «تهجد» از ماده

«هجوم» در اصل - چنان که راغب در مفردات می گوید به معنی خواب است، ولی هنگامی که به باب تفعل می رود معنی از بین بردن خواب و انتقال به حالت بیداری آمده است، ضمیر در «تهجد به» به قرآن بر می گردد. یعنی قسمتی از شب را بیدار باش و قرآن بخوان، ولی این کلمه بعد در لسان اهل شرع به معنی نماز شب به کار رفته است و متهم به کسی می - گویند که نماز شب می خواند. ولی این تفسیر، ضعیف به نظر می رسد، چرا که نافله در اصل به معنی مصطح امروز یعنی نماز مستحب» نبوده، بکله به معنی زیاده و اضافه است و می دانیم که نماز شب هر گاه بر پیامبر (ص) واجب بوده باشد اضافه بر فرائض یومیه است. به هر حال در پایان آیه نتیجه این برنامه الهی روحانی و صفا بخش را چنین بیان می کند: باشد که در پرتو این عمل، خداوند تو را به مقام محمود مبعوث کند. بدون شک مقام محمود مقام بسیار برجسته - ای است که ستایش برانگیز است. و از آنجا که این کلمه به طور مطلق آمده است، شاید اشاره به این باشد که ستایش همگان را از اولین و آخرین متوجه تو می کند.

روایات اسلامی، اعم از روایاتی که اهل بیت (ع) و اهل تسنن نقل شده است مقام محمود را به عنوان مقام شفاعت کبری تفسیر کرده است، چرا که پیامبر (ص) بزرگترین شفیعان در عالم دیگر است و آنها که شایسته شفاعت باشند، مشمول این شفاعت بزرگ خواهند شد. (مکارم شیرازی ۱۳۵۳ش، ج ۱۲، ص ۲۲۵-۲۲۴)

بنابر این نماز شب تنها بر پیامبر واجب نبوده است. سایر مومنان امت نیز از این عبادت بهره می بردند. سیره عملی امام حسن (ع) گواه روشن این مطلب است. و آن حضرت در عمل به این عبادت الهی از طلوعه داران می باشند. و سیره ی ایشان برگرفته از آموزه های قرآن بوده است.

۳: حالات مختلف امام حسن مجتبی علیه السلام در نماز

در حالات پیشوایان بزرگ و رهبران طریق هدایت، نکته هایی می بینیم که به خوبی نشان می دهد جذبه روحانی نشاط انگیز یک عبادت خالص و مناجاتی توأم با حضور قلب و عشق داغ مسیر طاعت و بندگی را برای همگان ترسیم می کند.

در این میان خوب است سیره عبادی امام مجتبی علیه السلام را ولو بسیار مختصر بررسی کنیم؛ چرا که سیره عبادی آن حضرت، بهترین درس ها را به سالکان راه حق، جهت خودسازی می دهد و آیین سلوک و سیر الی الله را بیان می کند. (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۲) حضرت مجتبی علیه السلام از جهات مختلف شخصیتی برجسته و صفاتی ممتاز داشت. او یک مرد الهی بود که از تمام امکانات خود نه برای بهره برداری بیشتر از لذات زندگی، بلکه در راه جلب خشنودی پروردگار و رسیدگی به حال بیچارگان و محرومان اجتماع استفاده می کرد. (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۲)

در عصر او هیچ کس از لحاظ کثرت عبادت و نیایش و توجّه به خدا به پایه او نمی‌رسید و اخلاق و رفتار و زندگی آن حضرت، سراسر عبادت و کوشش در راه خدا بود و نشانه های ایمان در سراسر زندگی امام مجتبی علیه السلام نمایان بود و آثار عبادت و بندگی در چهره نورانی اش آشکار بود. (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۳)

نماز نخستین فروع بعد از پنج اصل دین شناخته می شود، که این مسأله خود حاکی از اهمیت آن در جایگاه نظام مکتبی اسلام است، پس رعایت نماز از بزرگ ترین وظایف یک مسلمان است و به محض رسیدن وقت آن باید مبادرت به انجام آن نماید. («انْ قُلْتُ قُبُلَ مَاسِوَاهَا وَ انْ رُدَّتْ، رُدَّتْ مَاسِوَاهَا»). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ص ۴۳۴)

آری انسان نمازگزار وقتی به پیشگاه محبوبی ارجمند و مولایی کریم می‌رود و با او به راز و نیاز می‌پردازد، برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از این فرصت گران بها، قبل از ورود به نماز، باید خویشتن را با آداب و مقدماتی آماده کند، و خود را از هر چیزی که سبب پراکندگی اندیشه و حواس اوست، دور سازد؛ و پاک و آراسته، خوشبو و مهیّا با شوق به وصال محبوب و خوف از کوتاهی های خود، در برابر حضرت حق به نماز ایستد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ص ۴۳۴)

هم چنین امام حسن علیه السلام وقتی صدای مؤذن را می شنید، رنگش تغییر کرده و چهره اش به زردی می گرائید، و وقتی از علت آن سؤال می شد، می فرمود: خداوند شخصی را برای ندا دادن من فرستاده تا خدمت او رسم و خدمتش کنم، و نمی دانم قبولم می کند یا نه، پس چگونه رنگم تغییر نکند؟! (وسائل، ج ۳، ابواب احکام الملابس؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۶، ص ۱۵۱)

آن حضرت هنگام گرفتن وضو و موقع نیایش، حالت روحی و جذبه معنوی عمیقی که فقط در مردان الهی می‌توان مشاهده نمود پیدا می کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ص ۴۳۴) یعنی، بدنش می لرزید و رنگ از رخسارش می پرید. (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۳)

در قرآن کریم، بعد از آماده شدن خانه کعبه برای عبادت کنندگان، خدا به ابراهیم علیه السلام دستور می دهد: «وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ بر مرکب های لاغر، از هر راه دور قصد خانه خدا کنند». (سوره حج؛ آیه ۲۷) (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۳)

بی شک اگر حجاج پیاده را مقدم بر سواره ذکر کرده به خاطر این است که مقام آنها در پیشگاه خدا افضل است، چرا که رنج این سفر را بیشتر تحمل می کنند، و به همین دلیل در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم: «کسی که پیاده حج می کند در هر گام هفتصد حسنه دارد در حالی که سواره ها در هر گام هفتاد حسنه دارند». (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۱۴، ص ۶۹)

البته امروزه به جهت عادت کردن مردم به وسائل جدید، رفتن به سفر حج به روش قدیم (پیاده یا مرکب حیوانی) عمل بسیار دشوار و نوعاً حرجی به شمار می آید و قهراً حکم وجوب حج از عهده کسانی که امکانات و وسائل امروزی را در اختیار ندارند، به حکم قاعده «لا حرج» برداشته شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۱۴، ص ۷۰).

هنگامی که مسلمانان امام حسن و امام حسین علیهما السلام را در مسیر حج پیاده می دیدند، همگی به احترام، از مرکب های خود پیاده می شدند و پیاده راه می پیمودند، تا آنجا که آن بزرگواران برای این که مسلمانان به زحمت نیفتند، مسیر خویش را از جمعیت جدا می کردند، تا مسلمین بتوانند سوار بر مرکب های خویش شوند. (مناقب، ج ۴، ص ۱۱؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تاریخ الخلفاء البدایة و النّهایة؛ (با توجه به فاصله شهر مدینه تا مکه، اهمیت قضیه روشن می شود)؛ (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۲)

یاد مرگ انسان را تربیت می کند. اگر مردن نبود زندگی کردن بسیار دشوار بود، بلکه مرگ از نعمت های بزرگ خداست. حال برای این چند روز دنیا می بینید چه غوغایی به پا می کند، اگر انسان زندگی جاویدان و ابدی داشت چه می کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۷۶)

لذا یکی از بهترین راه های تربیت انسان و مبارزه با گناه، توجه به مرگ است. انسان باید به گونه ای باشد که وقتی صبح کرد به خود وعده ندهد که تا شب زنده می ماند و وقتی غروب می شود به خود وعده ندهد که تا صبح زنده می ماند، بلکه واقعاً همه باید احتمال دهیم شاید تا لحظه ای بعد زنده نباشیم. همین مسأله یعنی حالت توجه به خدا اثر عمیقی در دل ها باقی می گذارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱۹)

انسان ممکن است بر اثر لقمه ای بمیرد، چرا که دستگاه تنفس وقتی تکه کوچکی از غذا یا چیز دیگر وارد آن شود با سرفه بیرون می اندازد، اما اگر مقداری بزرگ تر باشد آنجا می ماند و هیچ راهی جز مردن وجود ندارد. خلاصه مردن خیلی ساده است. حتی همین سفر هایی که می کنیم بسیار خطرناک است، چون در حین رانندگی حتی اگر خودت هم رعایت کنی ممکن است دیگری رعایت نکند و به تو آسیبی برساند. وقتی انسان بداند که

زندگی این قدر بی اعتبار است چرا انواع گناهان را مرتکب شود. از این روست که به یاد مرگ بودن می تواند ترمزی بسیار قوی باشد تا انسان گناه نکند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۰)

در احادیث مکرر این مسأله آمده که آدم باهوش و سعادتمند کسی است که بسیار یاد مرگ کند. به یاد مرگ بودن مشکلات را حل می کند، چون بیشتر غصه های ما برای امور مادی است. غصه نمی خوریم که چرا دیشب نماز شب نخواندم یا چرا فلان اطاعت از دست من رفت یا چرا فلان گناه را کردم، چنین غصه ای نمی خوریم. وقتی انسان به یاد مرگ می افتد سبک می شود، برای اینکه عاقبت هر کس مرگ است و چیزی که سرانجامش چنین است اصلاً غصه ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۱)

لذا مردان خدا توجّهی خالص و عمیق و مداوم و مستمر به سرای دیگر دارند، گویی همیشه در برابر چشمانشان حاضر است؛ آنها پیوسته به یاد جهان دیگرند، افق دید آنها در زندگی چند روزه این دنیا، و لذّات آن محدود نمی شد. آنها در ماورای این زندگی زودگذر، سرای جاویدان با نعمت های بی پایانش را می دیدند، و همواره برای آن تلاش و کوشش می کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱۷)

امام با آن مقام عِفّت و عصمت چنین می کرد، ما باید با این همه آلودگی و گناه چه کنیم؟ پس خوب است که انسان همه روزه به یاد این مسائل باشد. (مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۳)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «امام حسن مجتبی (علیه السلام) وقتی در زمان خواندن قرآن به آیاتی همچون «یا ایها الذین آمنوا» می رسیدند «لیبک» می گفتند، آن حضرت در روایتی دیگر فرمودند: «يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى، أَنْ يُرْتِّلَ فِي قِرَائَتِهِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ أَوْ ذِكْرُ النَّارِ، سَأَلَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍهَا النَّاسُ وَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، يَقُولُ: لَبَّيْكَ رَبَّنَا؛ سزاوار است برای عبدی که در مقابل مولای خود به نماز می ایستد، ترتیل را در قرائت آیات رعایت کند و وقتی مرور به آیه ای کرد که در آن ذکر بهشت و ذکر آتش است، از خدا بهشت را طلب کند و پناه به خدا برد از آتش و وقتی «یا ایها الناس و یا ایها الذین آمنوا» را قرائت کرد بگوید لبیک ربّنا». (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۱)

بی تردید سیره عملی امام مجتبی علیه السلام و تأکیدات امام صادق علیه السلام در این مسأله، یعنی ما هم مخاطب ایم و این یک موضوع تاریخی نیست که فقط مخاطب آن اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ص ۴۹۴)

این برنامه متّقین مَحَکی برای شناختن خود ماست، آیا ما هم در موقع تلاوت آیات الهی یا شنیدن آن چنین هستیم؟ آیا در موقع شنیدن آیات عذاب تفکّری نسبت به قیامت داریم؟ آیا به مقام عین الیقین رسیده ایم، که اینگونه بهشت و جهنم را ببینیم، و صداها را بشنویم؟

نتیجه گیری

نماز از ارکان دین شمرده شده و در اسلام هیچ عملی پس از خداشناسی به پای آن نمی‌رسد. همچنین پذیرش عبادات دیگر بستگی به پذیرفته شدن نماز دارد. و نماز همچون نهر آبی است که آلودگی گناه را از قلب می‌زداید. حضرت علی (علیه‌السلام) درباره اهمیت نماز فرمود: «اوصیکم بالصلوة و حفظها، فانها خیر العمل؛ شما را به نماز و حفظ آن سفارش می‌کنم که بهترین عمل است. بدیهی است که با چنین اهمیتی که این عبادت بزرگ دارد، خدا، پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بطور جدی و پی‌درپی مسلمانان را به بزرگداشت آن فرا خوانند و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) خود بدان سخت پایبند باشند. قرآن مجید در آیات فراوانی - حدود هشتاد آیه - با تعبیرهای گوناگون درباره اقامه نماز یا حدود و احکام آن سخن گفته است یا از نمازگزاران تمجید نموده و بی‌نمازان را سخت توبیخ کرده. بطور مثال به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور می‌دهد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ کسان خود را به نماز فرمان بده و بر نماز پایداری کن.» در آیه دیگر مؤمنان را سفارش به نماز می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ؛ به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو نماز را به پا دارند. آن برگزیدگان الهی در موقعیت‌های مناسب با سخنان شیوای خود به تشریح ابعاد وسیع نماز و نقش سازنده آن می‌پرداختند و جایگاه ویژه آن را برای مسلمانان بیان می‌کردند. در میان فروع دین به هیچ مسأله‌ای به اندازه نماز اهمیت داده نشده است، حتی اولیای خدا هنگام ارتحال، آخرین سفارشی که به مؤمنان می‌کردند، توصیه به نماز بود. اهمیت این موضوع آنگاه روشن می‌شود که بدانیم هر انسانی در آخرین لحظات عمر خود سعی می‌کند که درباره بزرگترین و عزیزترین آرمان خویش سخن بگوید. امام صادق (علیه‌السلام) در آخرین وصایایش فرمود: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ نماز محبوبترین اعمال نزد خداوند و آخرین سفارش پیامبران است.» حضرت علی (علیه‌السلام) در وصیت‌نامه‌اش می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَانْهَاجِ خَيْرَ الْعَمَلِ وَ أَنْهَاجِ عَمُودَ دِينِكُمْ؛ خدا را خدا را (در نظر داشته باشید) درباره نماز که بهترین عمل و ستون دین شماست.» آموزه‌های نماز از منظر امام حسن در این مقاله بررسی شد و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که این بزرگوار بسیار بر اهمیت نماز در گفتار و کردارشان توجه داشت چرا که نماز باعث زدودن غفلت از انسان می‌شود و با یادآوری معاد باعث رستگاری و سعادت انسان می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن مجید

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الجهمور، عوالی اللآلی، (۱۴۰۳ق)، قم، سیدالشهداء
۲. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، (۱۳۷۹ هجری)، قم، موسسه انتشارات علامه.
۳. ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الاثمه، (۱۴۲۲ق)، تحقیق سامی الغریزی، بی جا، دار الحديث للطباعة و النشر.
۴. ابن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، أبو الحسین، معجم مقاییس اللغة، (۱۳۹۹هـ)، المحقق: عبد السلام محمد هارون، دار الفكر.
۵. الأنصاری الرویفی الإفريقی، محمد بن مکرم بن علی أبو الفضل جمال الدین ابن منظور، لسان العرب، (۱۴۱۴ هـ)، بیروت، دار صادر
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، (۱۳۷۱ هـ. ش)، قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم
۷. بیاتی، جعفر، ادب الأضيافه، (۱۴۱۸ هـ. ق)، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، اول
۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، (۱۳۸۵ هـ. ش)، مصر، دار المعارف، چاپ دوم
۹. الجوهری، أبو نصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، (۱۴۰۷ق)، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دار العلم للملایین
۱۰. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، (۱۳۹۰ ش)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ
۱۱. رهنما، زین العابدین، ترجمه و تفسیر رهنما، (۱۳۴۶ هـ. ش)، تهران، انتشارات کیهان، بی جا
۱۲. الریشهری، محمد، الصلاة فی الكتاب والسنة، (۱۳۷۶ ش)، قم، دار الحديث
۱۳. زبیدی، مرتضی، تاج العروس فی شرح القاموس، (۱۴۱۴ ق)، لبنان، بیروت، دارالفکر
- الریشهری، محمد، موسوعه العقائد الاسلامیه، (۱۳۸۴ ش)، بمساعده رضا برنجکار؛ التحقیق مرکز بحوث دار الحديث، قم: موسسه علمی فرهنگي دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۱۴. سعیدی روشن محمد باقر، زبان قرآن از منظر کارکرد شناختی، (۱۳۹۰ ش)، مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۵
۱۵. صدوق، ثواب الاعمال، (۱۳۸۲ هـ. ش)، ترجمه: صادق حسن زاده، تهران، انتشارات ارمغان طوبی، چاپ اول

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، (۱۴۱۷ ه. ق)، رقم، موسسه آل بیت (ع) الاحیاء التراث، اول
۱۷. طبری، محمد، بشاره المصطفی، (۱۳۸۳ ه. ش)، زنجفه انتشارات کتابخانه حیدریه نجف، دوم
۱۸. عزیزی، عباس، معجزات و کرامات امام حسن (ع)، (۱۳۸۱)، قم، انتشارات سلسله، چاپ اول
۱۹. علم‌الهدی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، (۱۴۰۵ ق)، رجایی، سید مهدی (گردآورنده)، ایران، قم، دار القرآن الکریم.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، (۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م)، بیروت، موسسه الوفاء.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)، (۱۳۸۵ ه. ش)، ملاحظات: تهیه و تنظیم حجه الاسلام والمسلمین اکبر خادم الذاکرین، قم، نسل جوان.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر، پاسخ به پرسشهای مذهبی، (۱۳۷۷ ش)، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، انوار هدایت: مجموعه مباحث اخلاقی مکارم شیرازی، (۱۳۹۰ ش)، تهیه و تنظیم میراحمد فقیه نیری، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (۱۳۵۳ ش)، قم، دار الکتب الاسلامیه.